

گذری بر تاریخ «عکاسی زیارتی» در مشهد که منحصر به فردترین گونه عکاسی در جهان است

یک قاب، یک دنیا تقدس

مجید ادیبی

«حرم- بارگاه»، ترکیب این دو واژه را احتمالاً در بازارها و گذرگاه‌های اطراف حرم مطهر رضوی بارها و بارها شنیده‌اید. این روزها شاید کمتر، اما روزگاری به فاصله چند قدم، جوانکی با لهجه مشهدی و نوعی خاص از ادای کلمات، عابران را که زائران حرم نور بودند، به سمت دکانی فرامی خواند تا شریف‌ترین و ناب‌ترین لحظه زندگی‌شان را در قاب تصویر به یادگار ببرند و آن تصویر که جایش بالای طاقچه یا بهترین نقطه خانه است، بشود میراث خانواده، بشود لحظه‌ای که تا همیشه حسش در ثانیه‌های زمان جاری باشد.

روایت امروز ما درباره «عکاسی زیارتی»، یا همان «حرم‌بارگاهی» است که بی‌نظیرترین و در نوع خود، خاص‌ترین گونه عکاسی در جهان است و چه چیزی از این مهم‌تر که تصویری در یک قاب دوست‌داشتنی با نور و باور گره بخورد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، درباره عکاسی زیارتی است که در همه جهان فقط در مشهد حیات دارد و خاص بافت فرهنگی و مذهبی این شهر است؛ بهتر است بگوییم مهم‌ترین یادگاری است که زائران حرم نور از مشهد برای خود به خانه می‌برند و لحظه‌های وصف‌ناشدنی آن را با دیگران به اشتراک می‌گذارند، هر چند که روزگار رفته بر این گونه خاص در عکاسی، رد و نشان‌هایی پررنگ از فراموشی دارد. اینکه دلایش چیست، بماند برای بعد.

● آن چشمه جوشان

اگر قرار باشد به پیدایش عکاسی زیارتی در مشهد بپردازیم، پیش از هر چیز باید به عوامل مؤثر در این گونه خاص عکاسی بپردازیم که بی‌گمان حضور بارگاه منور امام هشتم در مشهد و حضور پرشور زائران گرداگرد این چشمه جوشان معرفت، ما را بدون هیچ توضیحی به سرمنزل مقصود می‌رساند.

پس از ورود دوربین عکاسی به ایران، نخستین عکس‌هایی که عکاسان ثبت کردند، مشهد و گنبد مطلای آن، سوه اصلی عکاسان به شمار می‌رفت و نمونه شاخص آن و اولین عکسی که از مشهد در اسناد تاریخی ایران وجود دارد، عکس گنبد و بارگاه امام رضا^ع است که حیانوزی ایتالیایی آن را ثبت کرده است.

با این حال، عکاسان ایرانی هم خوش اقبال بودند که اولین عکس‌ها از حرم مطهر رضوی را به نام خودشان ثبت کنند. مانند آقا‌رضا عکاس باشی، مهم‌ترین عکاس ایرانی عهدنصری و نیز منوچهر خان و پس از آن نیز عبدا... قاجار که پیش‌تر درباره این نام‌ها و کارشان در همین صفحه مطالبی نوشته ایم و احتمالاً خوانده‌اید.

به این نام‌ها چند نام دیگر مثل لوئیجی پشه ایتالیایی و ویکتور سیمونوف روس را هم اضافه کنید تا دایره نخستین عکاسانی که از مشهد عکس گرفته اند کامل شود. بر اساس اطلاعات و اسناد موجود، به‌ویژه آلبوم‌هایی که در کاخ موزه گلستان تهران نگهداری می‌شوند، اولین عکس‌های ثبت شده از مشهد و گنبد و بارگاه امام رضا^ع در دوره ناصری گرفته شده است. نکته درخرو اما ثبت نشدن هیچ عکسی از رواق‌ها و ضریح مطهر امام رضا^ع است. گویا عکاسان آن دوره منعی جدی داشته اند برای عکاسی از رواق‌ها و ضریح، هرچند که عکاسان خارجی حتی رخصت گرفتن عکس از صحن‌ها و مجموعه حرم را هم نمی‌یافتند و به عکاسی از نماهای دور بسنده می‌کردند. مانند عکس مشهور و اولین عکس ثبت شده از حرم مطهر رضوی که حیانوزی آن را در محدوده پایین خیابان گرفته است.

سیاح نامدار مشهد

یادبود

در عکاسی زیارتی، پس‌زمینه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. عکاسان در ابتدا با قراردادن زائر(سوزه) درمقابل پرده‌های نقاشی و نیز بهره‌گیری از نورپردازی با منابع نور مصنوعی، عکس‌ها را می‌گرفتند. به تدریج ابزارهای دیگری نیز ازجمله لباس و سربند عربی و... به صحنه عکس اضافه شد. بی‌گمان یکی از شاخص‌ترین و به‌نوعی مبدعان این شیوه عکاسی، مرحوم ابراهیم ذهبی مشهور به «سیاح» است. ذهبی متولد ۱۳۰۰ خورشیدی است و تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ملی محمدیه، و مهدیه حاجی عبدالزاده گذراند. سپس

روایتی کوتاه از حضور پرستاران فرانسوی در مشهد

دو آبی‌پوش عاشق

کوچک‌زاده| مشهدی‌ها به آن‌ها «تارک دنیا» می‌گفتند، پرستاران فرانسوی که در دهه ۳۰ برای نگهداری از جذامیان به مشهد فراخوانده شده بودند و با جان و دل در این راه تلاش می‌کردند. آن‌ها سوار بر دوچرخه، از محله نوغان، کمک‌های مردمی، مایحتاج خود و جذامی خانه را فراهم می‌کردند و به‌سوی آسایشگاه معروف به محراب‌خان در محله طلاب امروز می‌رفتند. داستان حضور این پرستاران در مشهد را مرحوم رضا افضلی، شاعر معاصر مشهدی، در کتاب «منظومه مشهدی‌های قدیمی، به‌زیبایی به‌نظم کشیده است:



و به‌ویژه رواق‌ها و روضه منوره، منع جدی داشته است و عکاسان نمی‌توانسته‌اند در حرم مطهر از مردم عکس بگیرند. با این حال، عکاسان مشهدی به ایده‌ای خلاقانه رسیدند. آن‌ها مشتری‌هایشان را در ساختمان‌های بلند مشرف به حرم مطهر، به پشت بام می‌بردند و با پس‌زمینه حرم از آن‌ها عکاسی می‌کردند و این درواقع اولین گام‌ها برای ایجاد سبکی خاص در عکاسی ایران و خاص مشهد به شمار می‌رود. بدین معنا مکان مقدس به علت ممنوعیت عکاسی در آن، به پس‌زمینه عکس‌ها درآمد، هرچند که این شیوه همیشه جوابگوی نیاز زائران نبود و حتی خود عکاسان هم نمی‌توانستند روی قابلیت‌های این شیوه حساب ویژه‌ای باز کنند. از یک سو برخی ساختمان‌های مشرف به حرم مطهر در ماجرای توسعه مشهد در سال‌های ابتدایی قرن چهاردهم تخریب شدند و از سوی دیگر همیشه امکان نور کافی برای ثبت عکس‌های باکیفیت مهیا نبود. از این رو بار دیگر عکاسان مشهدی خلاقیت را چاشنی کارشان کردند و مکان مقدس را روی پرده‌های نقاشی به تصویر کشیدند تا پس زمینه عکس اشاره‌ای مستقیم به امری مقدس داشته باشد.

این پرده‌ها درواقع نمادهای بارگاه مطهر رضوی بودند و نقاشی‌هایی از ضریح و گنبد و گلدسته را شامل می‌شد و حتی نشانه‌هایی مانند آهو به این پرده‌های نقاشی اضافه شد. پس از اینکه پرده‌های نقاشی به آتلیه‌های عکاسان مشهدی راه یافت، اقبال زائران را نیز به همراه داشت و پس از آن بود که به سبک و شیوه‌ای منحصر به فرد در عکاسی آتلیه‌ای در مشهد تبدیل شد و برگی تازه را در تاریخ عکاسی ایران رقم زد.

● سوغات مقدس

عکس‌های زیارتی(حرم‌بارگاهی) یادگاری و سوغات مشهد به شمار می‌رفتند. اما درنوع خود به دلیل پیوندی که با امری مقدس(زیارت) دارند، به‌عنوان شیئی مقدس نیز شناخته می‌شوند. به تعبیر دیگر، می‌توان این نوع از عکاسی را ابزاری برای یادآوری امری مقدس دانست که به صورت نمادین یادآور عزیزترین لحظه‌های معنوی زائر امام رضا^ع، به شمار می‌رود.

سال‌هاست که با ورود دوربین‌ها و نرم‌افزارهای دیجیتال، عکاسی زیارتی آن ارزش و اقبال گذشته‌اش را ندارد و به‌نوعی در فهرست هنرهای فراموش شده قرار گرفته است، اما نمی‌توان از یک



ویژگی شاخص آن نام‌نبرد. یکی از دلایل ارزشمندی این گونه عکاسی، نداشتن آرشیو است. بلی، اگر امروز آرشیهوا بخش مهمی از اسناد تاریخی به‌شمار می‌آیند، در عکاسی زیارتی، به دلیل آنکه حضور زائران در مشهد هرچند سال یک بار یا حتی فقط یک بار اتفاق می‌افتد، عکس‌هایی که از زائران گرفته می‌شد، نداشتند. در آن زمان چون نیازی به مراجعه دوباره به این نگاتیوها نبود، فیلم این عکس‌ها نیز نگهداری نمی‌شد و هیچ کدام از عکاس‌خانه‌های مشهد آرشیهوی برای عکس‌های زیارتی نداشتند. به همین دلیل هر عکس اثری منحصر به فرد به شمار می‌رفته است، مانند یک تابلو نقاشی.

منابع:

بخش مهمی از اطلاعاتی که در این مطلب خواندید، وام‌دار کتاب ارزشمند «عکاس‌خانه ایام، نوشته نسرين ترابی و ویرایش هاشم جوادزاده است. بخش‌هایی از آن نیز برگرفته از گفت‌وگوهایی است که نگارنده در سال‌های ابتدایی دهه هشتاد با مرتضی لطفی و کیارتنگ علایی، دو تن از عکاسان مطرح شهرمان، درباره عکاسی مشهد داشته که در ماهنامه فرهنگی هنری «تاک‌توس» منتشر شده است.



به عکاسی روی آورد و از پانزده سالگی با راهنمایی دایی‌اش محمدحسین عالم‌زاده، عکاسی را به‌عنوان پیشه آغاز کرد. ابراهیم ذهبی عکاس‌خانه‌اش را در سال ۱۳۲۸ و در اطراف حرم مطهر رضوی تأسیس کرد و علاوه بر عکاسی زیارتی، عکس‌های بی‌شماری نیز از مشهد گرفت که هرکدام برگی از هویت مشهد معاصر در قرن چهاردهم خورشیدی به‌شمار می‌روند. در عکس پیش‌رو، ابراهیم سیاح در عکاس‌خانه‌اش رو به پرده نقاشی ایستاده و خودش سوزه عکاسی شده است. سیاح بیست‌هشتم خرداد ۱۳۹۲ رخ در نقاب خاک کشید. یادش گرامی

نوشته است، این پرستاران که در ابتدا چهارنفر بودند، به دعوت دکتر راجی، وزیر بهداشتی، برای پرستاری از جذامی‌ها به مشهد آمده بودند. اسامی آن‌ها در کتاب «کنسولگری‌ها، مستخدمان و مستشاران خارجی در مشهد»، ماری کلبر، کولر آنتوانت، رونه کوئن و کمبندو کازت‌نوشته شده است. آن‌ها دارای کارپولی نمی‌گرفتند و فقط بهداری مخارج روزانه آن‌ها را تأمین می‌کرد. پرستاران فرانسوی چندسالی در مشهد حضور داشتند و برخی از آن‌ها از ایران رفتند تا اینکه در سال ۱۳۳۶ خورشیدی دو پرستار فرانسوی دیگر به نام‌های مادلین کلود و ژاکلین کلر به مشهد آمدند و تمام وقت در آسایشگاه جذامی‌ها به کار مشغول شدند. آن‌ها در خانه‌های اطراف آسایشگاه زندگی می‌کردند و میان بیماران، جایگاه و منزلت

والایی داشتند، زیرا با عشق و علاقه به خدمات پرستاری مشغول بودند و به جذامی‌ها کمک می‌کردند. هنگام ورود آن‌ها به آسایشگاه، وضعیت بیماران بسیار وخیم بود، به‌طوری که حتی فرزندان بیماران نیز توانایی رسیدگی به آن‌ها را نداشتند. با این حال، این پرستاران با لطافت، زخم‌های بیماران را پانسمان می‌کردند و ناخن‌هایشان را می‌گرفتند، اصلاحشان کرده و به‌خوبی از جذامی‌ها پرستاری می‌کردند. بنا به پیشنهادهای پرستاران، چون در جذامی‌خانه کار زیاد شده بود، مجذومان شفا یافته برای خدمت به دیگر جذامی‌ها استخدام شدند. سرنوشت هریک از این پرستاران به شکلی نقل شده است. ظاهراً یکی از آن‌ها در آخر عمر به بیماری سرطان مبتلا شده و در تهران از دنیا رفته است.



گذری بر تاریخ حرم مطهر رضوی (قسمت چهارم)

سر آغاز معماری صفوی در حرم مطهر رضوی



با اینکه صفویان از مریدان و شیفتگان ائمه اطهار^ع بودند، حمله، هجوم و مزاحمت‌های مداوم از یک‌ها در خراسان موجب ناامنی شده بود و به آن‌ها مجال نمی‌داد چنان که باید به حرم رضوی بپردازند، تاجایی که به استناد «تاریخ شهر مشهد»، بین سال‌های ۹۱۳ تا ۹۱۶ قمری، از یک‌ها بر خراسان مسلط شدند و در آن سه سال، حاکمی بر مشهد گماشتند به نام سیدهادی خواجه. پس از آن انتصاب، اغلب امرای تیموری مقیم مشهد، تسلیم از یک‌ها شدند و به ماوراءالنهر انتقال یافتند و خراسان به تصرف از یک‌ها درآمد، تا اینکه یکی از پسران سلطان حسین یاقرا به نام محمدقاسم میرزا به مشهد وارد شد و حاکم از یک را آواره کرد. سیدهادی خواجه در مرو به شبیک‌خان از یک پیوست و او عبیدا... سلطان را مأمور حمایت از سیدهادی کرد. آن‌دو به مشهد یورش آوردند و در مشهد دست به تعدی زدند و انبوه جمعیت مجاور را آزدند و حرم مطهر را غارت و تاراج کردند.

● از یک‌ها و پادشاهان صفوی در مشهد اوایل دوره صفوی به‌علت وجود مشکلات فراوان مجموعه حرم رضوی از عنایات شاه اسماعیل، پادشاه شیعی متعصب، بی‌نصب ماند و از سوی دیگر، آنچه در طول زمان به حرم مطهر وقف یا هدیه شده بود، به بغما رفت، به‌گونه‌ای که هیچ اثری از دوران شاه اسماعیل صفوی در حرم موجود نیست.

شاه اسماعیل صفوی در اوایل ماه شعبان سال ۹۱۶ قمری در تعقیب شبیک‌خان از یک به مشهد وارد شد، اما او از مشهد گریخت. شاه اسماعیل پس از زیارت حرم غارت‌شده رضوی توسط ازبکان، در تعقیب شبیک‌خان، از راه سرخس عازم مرو شد.

● شکست شبیک‌خان از یک

جنگ سرنوشت‌ساز شاه اسماعیل و شبیک‌خان از یک در نزدیکی شهر مرو اتفاق افتاد. در این جنگ، شبیک‌خان شکست خورد و شاه اسماعیل سر از تنش جدا کرد، سپس از کاسه سرش جام ساخت. پوست سرش را نیز از کاه پر کرد و نزد دیگر مزاحم غربی یعنی پادشاه عثمانی فرستاد.

● مشهد، پس از از یک‌ها

پس از این پیروزی، خراسان به تصرف سفویه درآمد و به یمن وجود حرم رضوی، شهر مشهد یکی از مراکز مهم زیارتی و تجاری در دولت صفوی شد. دوسال بعد، باز از یک‌ها سر برآوردند و در اوایل سال ۹۱۹ قمری، تیمورسلطان و عبیدا... خان از یک مشهد را تصرف کردند، تا اینکه دوباره شاه اسماعیل به مشهد آمد و این شهر را آزاد کرد.

از سوی غرب نیز ابن‌بران در معرض تهاجم عثمانی‌ها بود، تاجایی که در سال ۹۲۰ قمری، شاه اسماعیل رسماً درگیر جنگ مهم و سرنوشت‌ساز چالدران شد و تا پایان عمرش (سال ۹۳۰ قمری) مجال پرداختن به امورات خراسان را پیدا نکرد.

● پس از مرگ شاه اسماعیل

وقتی بعد از شاه اسماعیل، فرزند یازده‌ساله‌اش، طهماسب میرزا، به سلطنت رسید، امرای قزلباش به جان هم افتادند و سادات رضوی به‌ویژه نقیبان، صاحب‌اختیار واقعی شهر مشهد و حرم رضوی بودند اما تا سال ۹۴۶ قمری که با فتح قندهار توسط سپاه قزلباش، خان‌های از یک مرعوب شدند و عبیدا... از یک درگذشت، مشهد بارها لگدمال از یک‌ها شد و خسارت‌ها دید.

پس از آن، مشهد به مدت حدود نیم‌قرن نسبتاً آرام بود، اما در اواخر قرن دهم قمری و هنگام دوران کودکی شاه‌عباس و پریشانی خراسان، دوباره از یک‌ها به این شهر ریختند و فجایی دهشتناک به بار آوردند.

● حرم رضوی همچنان در صدد توجه

جای شگفتی است که در دوران پراشوب اوایل سلطنت شاه طهماسب حرم رضوی همچنان مورد توجه خاص و عام بود و از یک سو توسط شیفتگان و مریدان تکریم و ترمیم می‌شد و از سوی دیگر به وسیله مهاجمان از یک مورد هجوم و غارت قرار می‌گرفت.

● سراز آغاز معماری صفوی

این دوران را باید سراز آغاز فعالیت‌های معماری عصر صفوی در مجموعه حرم رضوی به شمار آورد که البته ساعی و بانی این اقدامات احتمالاً همان سادات یا نقیبان بوده‌اند. در اوایل سلطنت شاه طهماسب، تنها مناره نزدیک گنبد مرمت و طلاکاری شد و در سال ۹۳۲ قمری نیز سطح گنبد حرم مطهر که پیش‌تر (عصر شاهرخ) با کاشی‌های نفیس تزئین شده بود، به خشت‌های طلا آراسته شد. حدود هفتادسال بعد و هنگام حمله دوباره ازبکان به رهبری عبدالؤمن‌خان، خزانه حرم به تاراج رفت و طلاهای روکش گنبد و مناره برای ضرب سکه و مصرف هزینه‌ها برچیده شد تا اینکه شاه‌عباس صفوی که در سال ۱۰۱۰ قمری پیاده از اصفهان به مشهد آمد، دستور داد مناره و گنبد دوباره به طلا آراسته شود.

● ساخت صندوق بر مقبره مطهر حضرت رضا^ع

شاه طهماسب از حرم مطهر رضوی غافل نبود و در سال ۹۵۷ قمری که با اقتدار سلطنت می‌کرد، اوراقی مشبک و طلاپی و پیوسته به هم بر صندوق مقبره امام رضا^ع وقف کرد که خوشبختانه از دستبرد از یک‌ها مصون ماند. بعدها بر اثر فرسایش صندوق، این اوراق جداشد و اکنون در ۱۶۶ قطعه در موزه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. از اوایل قرن یازدهم قمری نیز اقدامات اساسی و گسترده‌ای، چه از لحاظ ساختاری و چه کاربرد شیوه‌های معماری و نگارگری، در مجموعه معماری حرم رضوی صورت گرفت و علاوه بر شیوه‌های بومی، از شیوه معماری رایج در اصفهان نیز در برخی فضاهای معماری حرم مطهر استفاده شد.

شهر

SHAHRAANews.IR
شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۱
شماره ۱۷ صفحه ۲۷۶۱



تاریخ و هویت